

# « مزدا » و « اهورا » آرش آن در گاتاها چیست؟

فریبرز رهنمون

بسیاری از پژوهشگران و دانشوران و یا کسانی که گاتاها را برگردان کرده اند بر این باورند که واژه «اهورا» و «مزدا» بهر سیما و شکل که بکار رفته دارای یک معنی است و نگرورزی آنها در همه جا به خداوند است ولی یافته ها بگونه ای دیگر گواهی می دهند.

پوروش اسپ (Pourush-Aspa) پدر زر تشت  
(Zara-Thushtra) ، ویشت اسپ (Visht-Aspa) پادشاه و جام  
اسپ (Jam-Aspa) وزیر دانشمند او. باین نامهای در هم آمیخته نگاه  
کنید همانگونه که می بینیم ، هریک از این نامها از دو بخش ساخته  
شده. هر بخش از آن چم خود را دارد و زمانی که با هم پیوسته شوند، نام  
کسی را می سازند. هر بخش از این نام های بهم پیوسته یا دو بخشی  
(ترکیبی) یک نام جداگانه نیستند و نیز هیچگاه جای دو بخش آنها جابجا  
نشده است . برای نمونه هیچگاه اسپ ویشت **Aspa-Visht** نگفته اند یا

### ایران زمین

اینکه نام زرتشت هیچگاه تشت زر **Thushtra-Zara** ننوشته اند.

برخی از دانشمندان گفتگو دارند که چون گاتاها سرود است، برای اینکه آهنگ سرود بهم نخورد بایستی دو بخش «اهورا مزدا» را در برخی جاها از هم جدا کرد و تنها یک بخش از آنرا بکار برد و یا اینکه بخش یکم و دوم را جابجا کرد و به سیمای «مزدا اهورا» در آورد. ولی در همان یسناهات ۲۸ واژه های زرتشتی (۶.۲۸) و ویشتاسپای (۷.۲۸) و فروشوشترای (۸.۲۸) بکار رفته بدون اینکه این واژه ها را از هم بگسلند. این در حالی است که دو پاره ی واژه «اهورا مزدا» که ۱۲ بار در هات ۲۸ بکار رفته، بارها جز یک مورد، از هم گسسته شده .

پرسش اینجاست که آیا پاس داشتن نام اهورا مزدا درست تر است یا هم آهنگی و سامان بخشی به سرودها. آیا سخن سرائی نامدار و پر آوازه نمیتوانسته بجای اینکه نام خدا را به پاره هائی بخش کند دگرگونیهای دیگری در سرودهایش بدهد و همان دستاورد و هوده را بدست آورد. یاد آور شویم که در دین دبیره که برای هر آوا یک وات (حرف) بکار می رود هر بخش از «اهورا مزدا» یعنی «اهورا» و «مزدا» هر کدام پنج وات دارد که شمار واتهای هردو برابر است .

گاتاها آموزشهای آموزگار بزرگ ، زرتشت است. گاتاها ساختار سرودی دارد و سخنانی است با آهنگ و سامان دار ( منظم ) که بزبان اوستائی کهن

### ایران زمین

سروده شده . اوستا زبانی است به کهنگی و دیرینگی سانسکریت ولی از آنجائیکه زمان درازی است که جز در نوشته های دینی بکار نرفته، بدست فراموشی سپرده شده. پادشاهان ایرانی، کوروش و داریوش که از کارهای خود سنگ نوشته هائی بر جای گذاشته اند آنها را بزبانی نوشته اند که پژوهشگران آنرا زبان فارسی کهن مینامند این بدان معنی است که زبان اوستائی دست کم ۲۵۰۰ سال در میان مردم بکار نرفته و تنها نوشته های دینی است که به این زبان بجا مانده .

زرتشت کسی بود که بدون پیش داوری، بهر چیزی بدیده نو نگاه میکرد. او بسادگی پرده ها را بالا زد و راستی و هاگ ( حق ) را نشان داد، او چیزی نو را پدیدار نکرد. آنچه که او آشکار ساخت، برای مردم آن زمان تکان دهنده و شگفت انگیز بود همانگونه که امروز نیز است .

برای اینکه به آموزشهای زرتشت پی برده شود باید پیش داوری و باورهای از پیش ساخته و از پیش انگاشته خود را کنار گذاشت. باید به هرچیزی همانگونه که هست بآن نگریست .

زرتشت در گاتهاها فلسفه ویژه ای و یا باور نوی را رواگ ( رواج ) نمیدهد او فهرستی از کردنیها و ناکردنیها و کارهای روا و ناروا نشان نمیدهد. برداشت او از جهان یکجا (بکلی) از برداشت دیگران جداست. او بما نمی آموزد به چه چیزها بنگریم ، بلکه او بما می آموزد که چگونه هر چیز را

### ایران زمین

روشن ببینیم. او از ما میخواهد، این توان و نیرو را داشته باشیم که راستی یا هاگ (حق) را خودمان بیابیم او فهرستی پیش ساخته و پیش پرداخته، از راستی ها را که باسانی بآن دست یابیم پیشنهاد نمی کند.

اندیشه و فلسفه جهان امروز بر پایه آمیخته هائی از آنچه که در کتاب «عهد عتیق» آمده و باورهای یونانی - رومی گذاشته شده. ولی آنچه که زرتشت در گاتها میگوید همیستار (برعکس) همه ی این باورها یا آنچه که فرهنگ رفتاری نامیده می شود، میباشد .

برای اینکه گفته های زرتشت را بدرستی بفهمیم باید دارای اندیشه ای روشن و آزاد از فلسفه و دانش خداشناسی و برداشتهای از پیش ساخته و از پیش انگاشته باشیم. باید خود را به والاترین جایگاه پاکی و بی آلاشی بمانند یک نوباوه برسانیم تا با آرامش دل و بدون ترس و واهمه ، آموزشهای آموزگار و اندیشمند بزرگ را دریابیم .

پژوهشگران تلاش بسیار کرده اند گاتها را برگردان کنند. ولی باورهای از پیش ساخته و از پیش پرداخته و ترس، آنها را از بینش و درون بینی و راستی واگردانده. آنها بنام دستور زبان، یا سامان و آهنگ سرودها و یا بنام ساده سازی زبان، گاتها را بگونه دلخواه خود برگردان نموده اند تا با باورهای خودشان هماهنگ و سازگار باشد .

زرتشت در گاتاها از «مزدا» آرش دانائی و «اهورا» آرش آفرینش و «مزدا اهورا» آرش دانش در آفرینش (هستی) گفتگو میکند. در یسناها ۲۸ زرتشت از «اهورا مزدا» یا آفریدگار دانائی تنها یکبار گفتگو میکند و آن در زمانی است که در بند ۹ ازها ۲۸ میگوید « اَنائیش وائو نوئیت اهورا مزدا» بمعنی «اینها ، شما ، نه اهورا مزدا » یابگفته ساده تر «از خدا گله مند نباشید - یا آنرا از خدا ندانید» .

اینک به همه ی بند (۹) یسناها ۲۸ نگاه میکنیم که او چه میگوید

اینها ، شما ، نه اهورا مزدا  
دانائی نیز میتواند زیان آور باشد  
هوش ( خرد ) بهترین چیز است  
آنکه تلاش میکند ، بیافریند راهنمائی خوب ( را )  
برای شما ( تا ) شایسته ،  
توانا ، خشنود و نیز شایسته ی ستایش باشید  
زرتشت . گاتاها یسنا \_ ها  
۲۸ بند ۹ ( ف ر )

بیائید با هم به جهان راستی (حقیقت) بنگریم .

### ایران زمین

« وهو » به آرش خوب و « اهری » به آرش بد و « مَن » به آرش خرد است. پس آرش و هومَن، « خرد خوب » است. وهومن فرشته نیست و آرش اهریمن بداندیشی است نه فرشته بدکار (شیطان) آنگونه که در دین های ابراهیمی برشمرده شده است. کار شخصیت دادن (Personification) از ویژگیهای یونانیها بود. در فرهنگ ایران باستان ، فرشته و ایزد جایگاهی ندارد. هرودوت میگوید: «دین ایرانیان مانند یونانیها آدم نما (Anthromorphic) نیست» .

پس بگذارید کسانی که فرشتگان را خود در زندگی دیدند آنها به « وهومن » و دیگر ام اشا سپندان شخصیت و پیکر بدهند وگرنه بیائید به بجهان حقیقت ( هاگ – حق – راستی ) پای بگذاریم و هرچیز را بنام خودش بنامیم.

زمانی که « مزدا » را دانائی و « اهورا » را آفرینش یا آفریدگار بدانیم و تنها «اهورا مزدا» آفریدگار دانائی، را خدا بشناسیم، یکباره شخصیت زرتشت را از آدمی زبون و ناتوان که با لابه کردن درخواست کمک میکند به شخصیتی دانا، خردمند و آگاه که با بینش خود جهان را راهنمائی میکند، پی می بریم .

براستی ، دانائی ( که ) ،  
از اندیشه و خرد سرچشمه گرفته ،

### ایران زمین

که پیش از این هرگز شناخته نشده بود ،  
میان دانایان و در هستی ، (مزدام چا اهورم)  
از آن است که راهنمائی ( قانون ) خوب پدید میآید  
که هرگز بکاستی نمیروند  
و جامعه ای راستین پدیدار میگردد  
( و ) ما را بسوی رسائی راهنمائی میکند  
زرتشت . گاتاها یسنا هات ۲۸ بند۳ ( ف ر )

زرتشت با بینش و دیدی روشن بما می گوید ، از  
خرد و اندیشه خود درست بهره گیریم و دانش در  
آفرینش «مзда اهورا» را بفهمیم و آنرا از راهکارهای  
خوب بکار بریم تا راهنمای ما بسوی رسائی باشد. از  
کره زمین فردوس (بهشت) بسازیم ، جایی که در آن  
همه کس زندگی پر بار را همراه با دوستی و آرامش  
بسر برند.

زرتشت لابه نمی کند. دستهایش را بر نمی افرازد و در خواست کمک نمی  
کند او میگوید، خداوند آنچه را که برای « رسائی » بایسته بوده بما  
ارزانی داشته . پس هریک از ما باید پاسخ گوی آنچه را که برای مان پیش  
می آید باشیم.

### ایران زمین

زرتشت میگوید : این شما و کارهای شماست، نه خواست اهورامزدا که برای شما خوبی یا بدی پیش میآورد او میگوید اهورامزدا، دانش در آفرینش بیآفرید و این آفرینش است که راه خود را می پیماید. خورشید، ماه، ستارگان و کهکشان ها همه در جنبش هستند و به پیش میروند. برخی از میان میروند، برخی تازه زایش مییابند سوراخ سیاه (**Black Hole**) در کهکشان و سوراخ کرمی (**Worm hole**) همگی در این آفرینش نخشی دارند. هیچ مدیر و کارگزاری در کارهای جهان نیست که در برابر کار انجام شده گروهی را پاداش و گروهی را کیفر دهد .

اهورا مزدا خرد هستی (مزدا اهورا) را به جنبش در آورد. « مزدا اهورا » همان بیگ بنگ (**Big Bang**) در آفرینش است. همان نیروی خود جوش و بی پایان جهان هستی که در حال جنبش و گسترش است و آدمی تنها بخش کوچکی از آن بشمار میآید.

بیگمان بدست می آورم

خرد در آفرینش ( مزدا اهورا ) (را)

از راه بکار بردن درست اندیشه

من باید بر همه آنها چیره باشم

خواه در جهان مادی خواه در جهان اندیشه

از راه دانش بدست آورم

رسائی که در آرزوی ماست .



## ایران زمین

زرتشت . گاتا یسنا هات ۲۸ بند۲ ( ف ر )

رسائی چیزی است که زرتشت بآن پای بند است. آرمان از زندگی کردن به رسائی رسیدن است.

زرتشت می گوید، خرد و اندیشه خود را بدرستی بکار اندازید «وهومنا». اشا را بدست بیاورید و خرد در آفرینش را بشناسید و پا بیای آن پیش بروید و هیچگاه همیستار (برضد) آن گام بر ندارید. هرکار که میکنید باید آماج آن کار رسائی باشد با این کارها است که ما در این کره ی زمین شایسته زندگی می شویم و در همین جهان بهشت را می سازیم. بهشت و دوزخ زرتشت در همین جهان است .

براستی با این حقایق ، باید بهره بگیریم ،

از خرد ، بخوبی ، برای همیشه ،

هم آهنگ با دانش در آفرینش ، (مزدا اهورا)

باید آموزش دهم به همه ی آنها ، روشن سازم

آنچه را که ، با خرد یافتم ، با سخنان خود ( از راه زبان ) ،

که جهان آفرینش چگونه بود در گذشته ،

تا هم آهنگ شویم با هستی همانگونه که در بنیاد،

برنامه ریزی شده بود

زرتشت . گاتا یسنا هات ۲۸ بند۱۱ ( ف ر )

### ایران زمین

در این برگردان گاتها، کوشش شده که جای واژه ها را، پس و پیش نکنیم و همانگونه که در اوستا آمده باز نویسی کنیم چون با جا به جا کردن واژه‌ها میتوان آرشِ فرازها را هم بکلی دگرگون ساخت و نمیخواهیم در گفته های زرتشت دگر گونی پدید آید. مانند کاری که بسیاری در برگردان گاتها انجام داده اند. برای اینکه این نکته را بهتر بفهمیم ، این چند سرود را با هرگونه برگردانی از گاتها که در دسترس دارید برابر هم بگذارید تا گفته های راستین زرتشت را دریابید. آیا او کسی است که لابه میکند و یاری میجوید یا کسی است که به « راستی » دست یافته و میخواهد راهنمای مردم باشد.

اکنون از اینها سخن میگویم برای آنهایی که خواستارند.

از گوهرهای دانش (مزداتا) که دانایان در جستجوی آنها هستند .

و بآنها گوهرهای آفرینش (اهورا) میگویند و آفرینش والای خرد ،

( از ) نیروی فراگیر راستی ( اشا )

( تا ) بر راستی راههای بیشتر و بهتری آشکار سازیم ،

بسوی رسائی

زرتشت . گاتا یسنا هات ۳۰ بند (۱) ( ف ر )

گوش دهید با گوش های خود

به حقایق ( راستیها ) والا

بنگرید با بینش روشن

میان راهها، پیش از آنکه برگزینید،

ایران زمین

فرد فرد برای خویش تن  
پیش از آنکه بزرگی پیام را  
بدرستی گسترش دهند بفهمند آنرا  
زرتشت . گاتاها یسنا هات ۳۰ بند ۲ (ف ر)

خورداد باد  
فریبرز رهنمون

گاتاها هات ۲۸ در برگیرنده ۱۱ بند سرود است و اگر با موشکافی بآن  
بنگریم می بینیم تنها واژه « اهورا – مزدا » در آن بکار رفته . آیا واژه

ایران زمین

«مзда» و «اهورا» که گاهی به تنهایی و گاهی با هم و یا گاهی در سامانی دیگر در این هات نوشته شده ، همه یک معنی یا معنی جداگانه دارند .

| هات ها |    |    |   | شمارِ بارها |                |
|--------|----|----|---|-------------|----------------|
| ۷      | ۶  | ۵  | ۱ | ۴ بار       | مзда           |
|        |    | ۸  | ۶ | ۲ بار       | اهورا          |
|        | ۱۱ | ۱۰ | ۲ | ۳ بار       | مзда اهورا     |
|        |    |    | ۹ | ۱ بار       | اهورا مزدا     |
|        |    |    | ۳ | ۱ بار       | مزدام پا اهورم |
|        |    |    | ۴ | ۱ بار       | مзда اهورا     |

---